

مقاله پژوهشی

DOI:

DOR:

گذار از دولت مدرن به دولت پلتفرمی: مطالعه ای دلالت پژوهانه و مبتنی بر آموزه های اقتصاد اشتراکی

محمدجواد فدائی^{۱*}؛ محمدرضا عطاردی^۲؛ علی جوان جعفری بجنوردی^۳

چکیده

هدف: در دنیای امروز که فاصله عرضه کننده کالا و خدمت از متقاضی آن روزبه روز بیشتر و پیچیده تر می شود؛ پلتفرم ها به بهتر انجام شدن این جریان کمک می کنند. مباحث پیچیده موجود در حکمرانی دولت و اداره جامعه، نقشی کلیدی است که دولت می تواند میان متقاضیان و عرضه کنندگان خدمات دولتی و عمومی بازی کند. همچنین دولت می تواند به سهولت، عدم ازدحام، امنیت و ضخامت بازار میان عرضه کنندگان و متقاضیان خدمات و کالاهای دولتی، بسیار کمک کند. پژوهش پیش رو به دنبال پیشنهاد چارچوب مفهومی از ایده دولت پلتفرمی است که می تواند بسیاری از چالش ها و کاستی های شناسایی شده دولت مدرن را پاسخگو باشد. همچنین در این پژوهش سعی شده است با مطالعه و نقد تعاریف متعدد ایده دولت پلتفرمی، تعریف جامعی از این مفهوم که دربرگیرنده تمامی ویژگی های آن است، بیان شود.

طراحی / روش شناسی / رویکرد: به منظور نیل به اهداف و تحلیل یافته های پژوهش از روش دلالت پژوهی استفاده شده که در این روش از سهم یاری های نظریه اقتصاد اشتراکی به مثابه منبع اخذ دلالت، رهنمودهای اولیه ای برای اثبات کارآمدی این ایده (دولت پلتفرمی)، احصاء شده است. همچنین به منظور گردآوری اطلاعات و سهم یاری ها از مفهوم اقتصاد اشتراکی از روش مطالعه کتابخانه ای و اسنادی بهره گیری شده است. جامعه نمونه مطالعاتی پژوهش حاضر شامل تمامی گزارش ها، اسناد، مقالات علمی و کتاب های تالیف شده فارسی و لاتین، در حوزه اقتصاد اشتراکی و دولت پلتفرمی از سال ۲۰۱۵ به بعد است.

یافته های پژوهش: نتایج پژوهش نشان می دهد که دولت پلتفرمی می تواند جایگزین مناسبی برای دولت مدرن در تمام نظام مسائلی باشد که اکنون دولت مدرن با آن مواجه است. همچنین رویکرد دولت پلتفرمی برای حکومت هایی مانند جمهوری اسلامی ایران که مردم پایه است، می تواند قالب مناسبی جهت رشد و تکامل این ویژگی باشد.

پیامدهای عملی: از جمله اصلی ترین پیامدهای عملی ایده های این پژوهش، می توان به گسترش توانایی حکمرانی خوب در کشور و بهره مندی حداکثری همه آحاد جامعه از خدمات و مزایای دولتی به نحو آسان و یکسان اشاره کرد.

ابتکار یا ارزش مقاله: مهم ترین ابتکار این پژوهش، دلالت یابی از مفهوم اقتصاد اشتراکی به منظور موفقیت دولت پلتفرمی است؛ همچنین می توان گفت ارائه مختصات جدید برای مفهوم دولت پلتفرمی با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این حوزه از جمله مهم ترین ارزش های مقاله پیش رو است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

کلمات کلیدی: اقتصاد اشتراکی، پلتفرم، دلالت پژوهی، دولت پلتفرمی، دولت مدرن.

مشخصات نویسندگان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، گروه اقتصاد توسعه، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران (*نویسنده مسئول).

m.javad1419@gmail.com

۲. دانشیار، مدیریت دولتی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

atarodi@isu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد ناپیوسته، گروه اقتصاد توسعه، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

alijavan@isu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

منتشر شده توسط دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Research Paper

The Transition from Modern Government to Platform Government: A Signification_ research Study Based on the Concepts of Sharing Economy

Mohammad Javad Fadaei^{1*}, Mohammad Reza Atarodi², Ali Javan Jafari³

Authors

1. Master's student, Department of Development Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadegh University, Tehran, Iran (*Corresponding Author). m.javad1419@gmail.com
2. Faculty member and associate professor, Department of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. atarodi@isu.ac.ir
3. Master's student, Department of Development Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. alijavan@isu.ac.ir

Abstract

Purpose: In today's world, where the distance between the supplier of goods and services and the applicant is becoming more and more complicated; Platforms help make this flow better. The complex issues in government governance and community administration are key roles that government can play among the demanders and providers of government and public services. Also, the government can greatly contribute to the ease, lack of crowding, security and thickness of the market between suppliers and applicants of government services and goods. The leading research seeks to propose a conceptual framework of the idea of a platform government that can answer many of the identified challenges and shortcomings of the modern government. Also, in this research, it has been tried to express a comprehensive definition of this concept that includes all its features by studying and criticizing the many definitions of the idea of platform government.

Design/ methodology/ approach: In order to achieve the goals of the current research and analyze the findings of the research, the implication research method has been used. In this method, the contributions of the sharing economy theory as a source of implication, preliminary guidelines to prove the efficiency of this idea (platform government) have been calculated. Also, in order to collect information and contributions from the concept of sharing economy, the method of library and document study has been used. The study sample population of the current research includes all reports, documents, scientific articles and books authored in Persian and Latin, in the field of sharing economy and platform government since 2015.

Research Findings: The results of the research show that the platform government can be a suitable alternative to the modern government in the whole system of issues that the modern government is facing now. Also, the platform government approach for governments like the Islamic Republic of Iran, which is people-based, can be a suitable format for the growth and evolution of this feature.

Practical Consequences: Among the main practical consequences of the ideas of this research, we can mention the expansion of the ability of good governance in the country and the maximum benefit of all members of the society from government services and benefits in an easy and equal way.

Innovation or value of the Article: The most important initiative of this research is to identify the concept of sharing economy for the success of platform government; It can also be said that providing new coordinates for the concept of platform government according to the Studies conducted in this field is one of the most important values of the leading article.

Paper Type: Research Paper

Keywords: Sharing Economy, Platform, Implication Research, Platform Government, Modern Government

Received Date:2022-11-13

Acceptation Date: 2023-08-01

Publication Date: 2023-09-23

Publisher: Iran – Tehran – Shahid Beheshti University – Faculty of Management & Accounting



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

شتاب تغییرات در چند دهه اخیر چنان زیاد و پر بسامد بوده که کمتر مفهومی را بتوان مصون از تحولات اساسی جست‌وجو کرد. از صدر تا ذیل مفاهیم، قالب‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها در دنیای امروز نه‌تنها دچار تغییر شده، بلکه به‌نوعی می‌توان گفت با «تغییرات دائمی» عجین شده و به‌نوعی به یک هم‌زیستی همیشگی تن داده‌اند. در این سیر زمان، دولت‌ها و حکومت‌ها نیز از این تحول‌ها و تغییرات بی‌نصیب نمانده‌اند و برای خدمت‌رسانی بهتر و مناسب‌تر، به طور دائم در حال تغییر و تحول هستند؛ بنابراین مسئله کیفیت و کمیت خدمت‌رسانی دولت‌ها به شهروندان (به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه) موضوعی است که همچنان با سرعت تغییرات دائمی حکمرانی کشورها تطابق نیافته است. به عبارت بهتر بسیاری از مشکلات دولت مدرن در کیفیت و کمیت خدمت‌رسانی به شهروندان ناشی از عدم تطابق حکمرانی کشور با نیازها و سبک جدید زندگی شهروندان است. هرچند ظهور دولت‌های مقتدر ملی را به معاهده وستفالی^۱ که برای پایان دادن به جنگ‌های مذهبی ۳۰ ساله (۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸) در اروپا منعقد شد مرتبط دانسته‌اند (Gurji Azandriani and Shafiei Sardashti:2013). این دولت‌های مقتدر ملی پس از آنکه اروپا با انقلاب صنعتی قرن هجدهم متحول گردید دچار تحولات و تغییرات عمده‌ای شدند. اقتدار دولت، افزایش درآمدهای مالیاتی به سبب توسعه صنعتی و رشد فعالیت‌های اقتصادی، تمرکزگرایی بیشتر دولت‌های ملی و دخالت در تمام شئون زندگی مردم از جمله تغییراتی بود که پس از انقلاب صنعتی اروپا ایجاد شده است (Afzali:2007). در قرن نوزدهم و پس از ظهور فناوری‌های جدید که عمدتاً مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده است؛ این دولت‌های مدرن با تحولات جدی‌تری مواجه شدند به‌گونه‌ای که سبک جدیدی از زندگی و حکمرانی بر دولت‌ها مستولی شد. شکل‌گیری دولت‌های چابک‌تر و توجه به ارائه خدمات از طریق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را مهم‌ترین ممیزه این دوره تحولی دولت‌ها می‌دانند (Bertram et al.: 2008).

در چند دهه گذشته ظهور فناوری‌های نوین ترکیبی که عمدتاً ترکیب فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، کلان داده و نسل‌های آتی مخابراتی مانند نسل پنجم و ششم است، سبب شده که به گفته برخی محققان شاهد انقلاب صنعتی چهارم باشیم (Bradley et al: 2015). به طور حتم عمده تغییری که ترکیب فناوری‌های مذکور بر نظامات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم ایجاد کرده، شکل‌گیری ساختارهایی است که به آن ساختارهای پلتفرمی گفته می‌شود. دولت پلتفرمی مبنایی است که سازمان‌های دولتی و غیردولتی را قادر می‌سازد نسل جدیدی از خدمات عمومی را ارائه نمایند. در این مدل (دولت پلتفرمی)، دولت نقش واسطه را ایفا می‌کند، عوامل مرتبط را ساماندهی می‌کند، مشارکت را تسهیل می‌نماید، افراد و ارائه‌دهندگان خدمات را به هم وصل و در نهایت بر الگوهای ارائه خدمات عمومی نظارت می‌کند. دستیابی به دولت پلتفرمی و ارائه یک شیوه جدید، کارآمد و سالم در خدمت‌رسانی نیاز به ملزومات و شرایط خاصی هم در دولت و هم در مردم (خدمت‌گیرنده) دارد. قرارگرفتن دولت در جایگاه هماهنگ‌کننده، ناظر و تنظیم‌گر، فرصت خروج آن را از بن‌بست‌ها و بوروکراسی‌های خواسته و ناخواسته و ناکارآمدی‌ها فراهم می‌آورد (Tiwana, 2014).

¹. Treaty of Westphalia

در ایران حرکت از دولت مدرن به دولت دیجیتال با کندی مواجه بوده و فهم آن بازه زمانی قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. همین مسئله سبب گردید شکل گیری دولت الکترونیک در ایران با چالش های جدی مواجه شود. به نظر می رسد توجه به مفهوم جدیدی تحت عنوان دولت پلتفرمی که تأثیر گرفته از تحولات کنونی در فناوری های نوین و پیشرفته است سبب خواهد شد گذار از دولت مدرن به این نوع از حکومت داری در زمان مناسب و مبتنی بر راهبرد ملی مناسب اتفاق افتد و این مهم هدف اصلی این تحقیق است. محققان این متن تلاش دارند تا بر اساس روشی دلالت پژوهانه ادبیات مورد نیاز برای مفهوم پردازی دولت پلتفرمی را با الهام از مفاهیم و آموزه های پلتفرم (که همانا آموزه هایی از اقتصاد اشتراکی است) تدوین نمایند. این مفهوم پردازی لازمه دیگر تحقیقات نظری از جمله برای طراحی یک مدل مفهومی دولت جدید و توجه به ادبیات گذار به آن دولت تلقی می گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش اقتصاد اشتراکی

در سال های گذشته جهان شاهد یک نوآوری انقلابی در مفاهیم مالکیتی در اقتصاد بوده است. این روند ایجاد شده، ما را فراتر از مالکیت به سمت تجربه توانایی به اشتراک گذاری سوق داده است. از اتومبیل ها تا خانه ها، مردم در سراسر جهان متوجه شده اند که می توانند بدون داشتن مالکیت، تجربه استفاده از این کالاها و ابزارها را کسب نمایند. این پارادایم با پیشرفت فناوری فراگیرتر شده است. با ظهور پردازش ابری^۱، حرکت به سوی محاسبات کوانتومی و رشد بلاک چین، بشر می تواند سریع تر و ارزان تر به خدمات دسترسی داشته و یا از کالاها حتی بدون مالکیت آنها استفاده نماید (Mohammadi et al., 2019). برای مثال استفاده از فناوری بلاک چین در اقتصاد اشتراکی باعث تمرکززدایی از این اقتصاد شده و آسیب پذیری اقتصاد اشتراکی از انحصار و اختلال در سیستم را تا حد زیادی کاهش داده است (Mohammadi et al., 2019). در این اقتصاد، ارزش تنها به وسیله پول محاسبه نمی گردد، بلکه اعتماد نیز به پارامتری مهم جهت ارزش گذاری تبدیل شده است (Fahy, 2017). اقتصاد اشتراکی یک مدل تجاری همتا به همتا است که بر اساس تفکر پلتفرمی ساخته شده است. در این مدل که در سال های اخیر ظهور کرده است، کسب و کارهای هم تراز بدون هیچ واسطه ای فعالیت های تجاری خود را از طریق یک بازار مجازی واحد انجام می دهند. مصرف کالا یا خدمات به جای مالکیت انحصاری بر منابع بازار، بر اساس دسترسی مشتری به کالا یا خدمت در آن بازار خواهد بود (Denning, 2014).

اقتصاد مشارکتی که برخاسته از اقتصاد اشتراکی است، در واقع بازاری است که شرایط زیر را به صورت همزمان محقق می نماید:

- ۱) افراد، کسب و کارها و مصرف کنندگان این حوزه را در بر می گیرند.
- ۲) منابع محدودی از دارایی و مهارت وجود دارد. به همین دلیل با اشتراک گذاری، هم اشتراک گذار و هم مصرف کننده بهره مند می شوند.

¹. Cloud Computing

۳) اشتراک‌گذاری از طریق راهکارهای مبتنی بر اینترنت انجام می‌پذیرد.

چهار مجموعه اصلی از محرک‌ها وجود دارد که در مجموع به توسعه اقتصاد اشتراکی کمک می‌کند:

محرک اول پیشرفت‌های فناورانه است؛ به‌ویژه رونق گرفتن استفاده از اینترنت در ارتباطات، بازار را به طور چشمگیری تغییر داده است (John, N. 2013). محرک دوم منافع اقتصادی است؛ اقتصاد اشتراکی منافع اقتصادی مختلفی را برای ارائه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان به همراه دارد. برای ارائه‌دهنده، منابع جدید درآمد از منابع موجود قفل نشده حاصل می‌شود؛ در این مدل یک ماشین یا یک آپارتمان می‌تواند راهی برای کسب درآمد افراد شود (Botsman & Rogers, 2012). محرک سوم خود‌انگیزه انسان است؛ یعنی در انسان انگیزه به اشتراک‌گذاری یکی از غرایض انسانی است. طی دوره‌های زمانی شاهد این بودیم که مردم کتاب‌ها را در کتابخانه عمومی به اشتراک می‌گذارند یا فضایی را در یک پارک عمومی به اشتراک می‌گذارند (Smolka & Hienert, 2014). محرک چهارمی که ما را به استفاده از اقتصاد اشتراکی سوق می‌دهد، انگیزه‌های زیست‌محیطی است. مصرف اشتراکی راه‌حل‌های پایداری را برای نگرانی‌های زیست‌محیطی ارائه می‌دهد و خود مصرف اشتراکی نیز راه‌حل و پاسخی به این نگرانی‌ها است؛ زیرا تولید کمتر و استفاده مشترک سبب آلودگی کمتر خواهد شد (Firnkor & Müller, 2011).

پلتفرم

پلتفرم‌ها زمینه‌ساز اصلی در شکل‌گیری و ظهور اقتصاد اشتراکی هستند؛ بدون بستر دیجیتال و نظام‌یافته‌ای که پلتفرم‌ها فراهم می‌آورند؛ به‌هیچ‌وجه شکل‌گیری و فعالیت اقتصاد اشتراکی قابل‌تصور نیست. پلتفرم به‌مثابه یک رویکرد یا راه‌حل، به طور خلاصه عبارت است از بستری برای نقش‌آفرینان که در آن با هم تعامل می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر پلتفرم‌ها از طریق ایجاد تعامل^۲ میان عرضه‌کنندگان بیرونی (بیرون از پلتفرم) و مصرف‌کنندگان بیرونی (بیرون از پلتفرم) ایجاد ارزش می‌کنند. نقش محوری پلتفرم‌ها، ایجاد زیرساخت برای شکل‌گیری تعامل‌ها و مهم‌تر از آن تعیین چارچوب و قواعد حاکم بر این تعامل‌ها است. گفتنی است ارزش اصلی این تعاملات، بقا و رشد تعامل‌ها و رشد نقش‌آفرینان در آنها است که ایجاد چارچوب و تنظیم‌گری در پلتفرم‌ها را موجه و مشروع می‌کند. (Akbari, 2019)

به بیان دیگر، پلتفرم، یک زیرساخت باز، همراه با یک مدل حکمرانی است که تعاملات ذی‌نفعان متعدد را واسطه‌گری و هماهنگ می‌کند؛ بنابراین، یک پلتفرم، زیرساختی آماده برای استفاده است که در آن ذی‌نفعان متعدد می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و شروع به تعامل کنند. تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ارزش می‌توانند روی این زیرساخت باز با هم مشارکت کنند. زمانی که بستر تعامل ایجاد می‌شود، مالک پلتفرم قواعد حکمرانی را تعیین می‌کند که مشخص می‌کند چه چیزی حمایت شده و مطلوب است و چه چیزی نیست

¹. Unlocked

². Interaction

(Choudary, 2017)..طراحی مبنا و سازوکاری که دیگران بتوانند بر اساس آن اقدام کنند، بخش مهمی از تفکر پلتفرمی است.

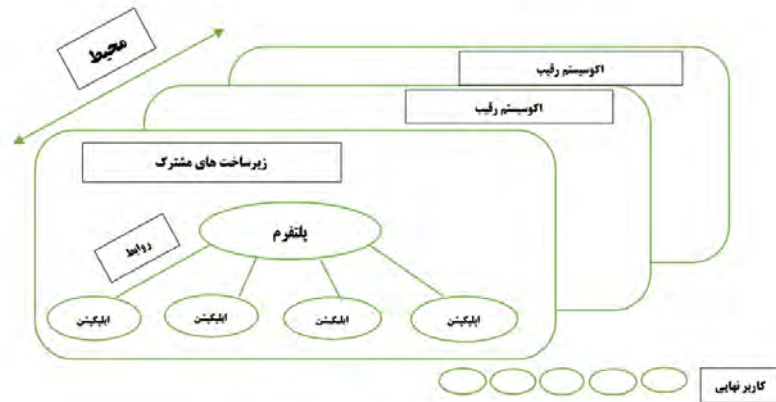
نقش اصلی پلتفرمها ایجاد تسهیل در رابطه بین توسعه‌دهندگان^۱ (بهمثابه عرضه‌کنندگان خدمت) و کاربران نهایی^۲ (بهمثابه تقاضاکنندگان خدمت) است. ارزش پلتفرمها با افزایش تعداد مشارکت‌کنندگان آنها به طور غیرخطی و به صورت نمایی افزایش می‌یابد. زمانی که فقط یک کاربر در پلتفرم وجود داشته باشد، هیچ ارتباطی امکان‌پذیر نیست حتی در صورت وجود دو یا سه کاربر هم آثار شبکه‌ای و اجتماعی قابل توجهی خلق نمی‌شود و پلتفرم ارزش خاص ندارد. تمام مسائل پلتفرم‌های فضای مجازی از زمانی آغاز می‌شود که تعداد کاربران و اثر شبکه‌ای ناشی از این تعداد کاربر، بالا برود در این صورت ارزش پلتفرم هم به صورت یک تابع نمایی بالا می‌رود (Borghei, 2019).

پلتفرمها از اجزاء مختلفی تشکیل شده است که هر کدام از آنها وظایف مشخص و متفاوتی دارند و درعین حال با هم همکاری نیز دارند. پلتفرمها از سه جزء اصلی ۱. مالک پلتفرم ۲. توسعه‌دهندگان و ۳. کاربران نهایی تشکیل شده‌اند. مالک پلتفرم وظایفی دارد که از جمله آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: مالک پلتفرم به جای اینکه بر نوآوری به عنوان گران‌ترین عامل تولید سرمایه‌گذاری کند، صرفاً بستری را وجود می‌آورد که نوآوران با هزینه کمتر نوآوری‌های خود را به ظهور برسانند. مالک پلتفرم، بستر و زیرساخت ایجاد شده را دائماً با توسعه‌دهندگان به اشتراک می‌گذارد و این اشتراک گذاری در میان توسعه‌دهندگان موجب بهره‌مندی بهینه و کارآمد از بستری می‌شود که در اختیار مالک بوده است (Tiwana, 2014).

توسعه‌دهندگان برای راه‌اندازی کسب‌وکارشان نیازی به سرمایه‌گذاری بزرگی که مالکین پلتفرمها انجام می‌دهند نداشته و می‌توانند با سرمایه‌ای اندک، کسب‌وکار خود را در پلتفرم راه‌اندازی کنند و صرفاً برای به ظهور رساندن و حضور در یک بازار بزرگ‌تر نیازمند همکاری با مالکین پلتفرمها هستند. وظیفه توسعه‌دهندگان برنامه‌نویسی تحت شرایط تعیین شده از سوی مالک پلتفرم است. این دسته، برنامه‌هایی را طراحی می‌کنند که کاربران را جذب کند و این گروه هستند که کاربران با آنها تعامل دارند. مصرف‌کننده نهایی نیز به دلیل توزیع متقارن اطلاعات و شکل‌گیری زمینه‌های یک بازار رقابتی به راحتی می‌تواند به خدمت مورد نظر خود با هزینه کمتر و نوآوری در خدمت، دست پیدا کند.

اکوسیستم پلتفرمی از چند رکن (عنصر) اصلی تشکیل شده است که این ارکان شامل: ۱. پلتفرم (بستر) ۲. اپلیکیشن‌ها ۳. معماری پلتفرم ۴. روابط و ۵. اکوسیستم است. ارکان اکوسیستم پلتفرمی در شکل ۱ و جدول ۱ به صورت کامل تعریف و نشان داده شده است.

1. Developers
2. end user



شکل ۱: ارکان اکوسیستم پلتفرمی (Tiwana, 2014)

جدول ۱: چستی ارکان اکوسیستم پلتفرمی

| ارکان | تعریف | مثال |
|---------------|--|-------------------------------------|
| پلتفرم | پلتفرم‌های نرم‌افزاری یک پایگاه کد قابل توسعه از سیستم یک نرم‌افزار است که عملکرد اصلی آن به‌وسیله تعامل با برنامه‌های مرتبط ایجاد می‌شود. | Ios. Android. Twitter |
| اپلیکیشن | یک زیرسیستم یا سرویس نرم‌افزاری مشخصی است که برای رسیدن به یک خروجی مناسب با برنامه‌های دیگر و پلتفرم تعامل می‌کند. | اپلیکیشن ویرایش تصویر در اینستاگرام |
| معماری پلتفرم | طرح مفهومی که توصیف می‌کند اکوسیستم یک پلتفرم چگونه است. | معماری اسنپ |
| روابط | مشخصاتی که نحوه تعامل و تبادل اطلاعات بین مالک پلتفرم و برنامه‌ها را تعیین می‌کند. | پروتکل‌ها و دستورالعمل‌های مختلف |
| اکوسیستم | به مجموعه بستر (سکو) و برنامه‌های خاص آن سکو گفته می‌شود. | |

(Tiwana, 2014)

بر اساس مرور ادبیات پلتفرم، به این نتیجه می‌رسیم که اکوسیستم‌های پلتفرم دارای چهار ویژگی مشترک هستند:

۱. **ایجاد ارزش مشترک:** ارزش کاربر نهایی نتیجه مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که در اجزاء اکوسیستم وجود می‌آید. مثل چند بنگاه خاص که برای یک شرکت کار می‌کنند و نیز خود کاربران نهایی هم در ایجاد ارزش شراکت دارند (Scegnoli et al., 2012).

۲. **وابستگی متقابل و مکمل بودن:** شرکت‌کنندگان حاضر در اکوسیستم پلتفرم ارتباط مستمر و مکمل با یکدیگر دارند. آنها برای اطمینان از به نتیجه رسیدن عملکرد کلی اکوسیستم، یکپارچگی اکوسیستم را ضروری می‌دانند (Gawer & Cusumano, 2008).

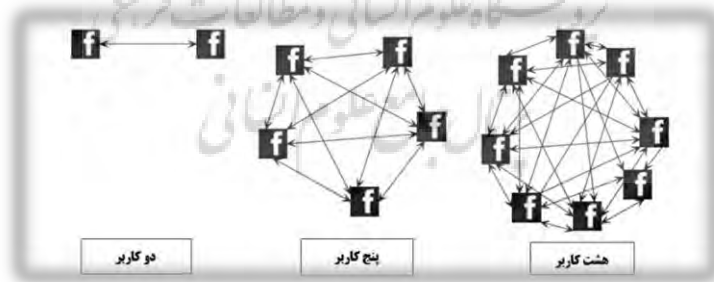
۳. **هم‌افزایی و رشد تکاملی:** اکوسیستم پلتفرم ارزش اضافی تولید می‌کند؛ یعنی ارزشی بیشتر از مجموع ارزش هر جزء که این ارزش اضافی حاصل مکمل بودن و وابستگی متقابل اجزاء به یکدیگر است (Armstrong, 2006).

۴. **شکل‌گیری پودمانی:** اکوسیستم‌ها با محیط خودسازگار می‌شوند و می‌توانند اجزاء جدیدی به خود اضافه کنند و رشد تکاملی داشته باشند یا می‌توانند با اکوسیستم‌های دیگر اتصال برقرار کنند و گسترش یابند.

پلتفرم‌ها، از ایده‌های مشترکی پشتیبانی می‌کنند که اساس کار آنها را شکل می‌دهد. وجود چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود پلتفرم‌ها، ساختاری متفاوت با سایر برنامه‌هایی داشته باشند که به اشتباه، پلتفرم نامیده می‌شوند. هر اکوسیستم پلتفرمی چهار ویژگی داشت که به آنها اشاره شد. اما در جزئیات، هر پلتفرم نیز به تنهایی دارای ویژگی‌هایی است که ماهیت آن را شکل می‌دهد.

۱. **چندسویه بودن:** یک پلتفرم باید بتواند حداقل دو گروه مجزا را جذب کرده و امکان تعامل متقابل را برای آنها فراهم کند. مزیت پلتفرم آن است که فرایند جستجو و اتصال حداقل دو گروه به یکدیگر را تسهیل می‌کند. بر این اساس است که پلتفرم ارزش پیدا می‌کند.

۲. **اثرات شبکه‌ای:** اثرات شبکه‌ای یعنی اضافه شدن هر کاربر جدید به پلتفرم، ارزش آن پلتفرم را بالا می‌برد. این ارزش، در دو جهت حاصل می‌شود؛ اول اینکه ارزش خود پلتفرم را بالا می‌برد و دوم آنکه موجب ارزشمند شدن پلتفرم نزد سایر کاربران موجود درون می‌شود. به این ترتیب هرچه تعداد کاربران پلتفرم بیشتر باشد، نشان می‌دهد که پلتفرم، توانسته انتظارات کاربران را فراهم کند؛ لذا ارزش آن نسبت به اکوسیستم پلتفرمی رقیب افزایش می‌یابد.



شکل ۲: مفهوم اثر شبکه‌ای (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

۳. **چند اتصالی بودن:** چند اتصالی بودن پلتفرم به این معنا است که از چند طریق می‌توان به میزبان^۱ آن پلتفرم متصل شد. این چند اتصالی بودن گاهی از سوی توسعه‌دهندگان و گاهی از سوی کاربران است.

۴. **معماری:** این اصطلاح، یکی از اصطلاحات نزدیک به حکمرانی پلتفرم محسوب می‌شود معماری در هر کجا بیان شود نشان‌دهنده ترکیبات و اجزای آن سیستم و به بیان کلی‌تر نشان‌دهنده ویژگی‌های آن سیستم است. معماری پلتفرم نشان می‌دهد، اجزا چطور کنار هم قرار گرفته‌اند و کدام بخش مسئول انجام چه کاری است. در معماری پلتفرم، رابطه بین برنامه‌ها با یکدیگر و با پلتفرم مشخص می‌شود. معماری، تکامل یک اکوسیستم پلتفرمی را نشان می‌دهد، چرا که بیان می‌کند چگونه عمل نوآوری بین توسعه‌دهندگان برنامه‌ها و مالک پلتفرم تقسیم می‌شود و اینکه چگونه خروجی این دو، ادغام و به یک کل به‌هم‌پیوسته تبدیل می‌شوند. هرگونه تغییری در معماری پلتفرم، اثرات خود را در آینده نشان می‌دهد و از این جهت، مانند سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی است. از سویی دیگر، معماری‌های فنی با حکمرانی اکوسیستم‌های پلتفرمی، پیوسته جانشدنی هستند که اغلب به‌عنوان معماری تجاری نیز از آن یاد می‌شود (Tiwana, 2014).

۵. **حکمرانی:** حکمرانی یعنی چه کسی در پلتفرم تصمیم بگیرد و چه اتفاقی بیفتد. این تصمیمات در ۳ سطح اتخاذ می‌شود: اینکه چگونه قدرت تصمیم‌گیری بین مالک پلتفرم و توسعه‌دهندگان، تقسیم می‌شود. چه نوع مکانیسم‌های کنترلی به‌صورت رسمی و غیر رسمی از سوی مالک پلتفرم اعمال می‌شود؛ و در نهایت ساختار قیمت‌گذاری‌ها و اینکه کدام یک از طرفین (توسعه‌دهنده یا کاربر) یارانه بگیرد را مشخص می‌کند.

چند مسئله اساسی در باب حکمرانی پلتفرم وجود دارد که در حکم اصول اولیه حکمرانی و مسائل متداول این حوزه است و باید تک‌تک آنها مد نظر مالک پلتفرم باشد. تیوانا^۲ (2014) در کتاب خود، برای حکمرانی پلتفرم، ۳ بُعد قائل است (p.p 38-39):

- **توزیع حق تصمیم‌گیری:** در یک بیان ساده، باید مشخص شود در اکوسیستم، چه کسی، چقدر مسئولیت دارد. عمده مشکلات که در کشورها مشاهده می‌شود ناشی از آن است که سیستم حکمرانی به‌طور مشخص، وظایف و مسئولیت‌های نهادهای حاکمیتی را تعیین نکرده است. یعنی در برخی موضوعات، ممکن است بین چند نهاد حاکمیتی هم‌پوشانی وظایف و یا اختیارات وجود داشته باشد که این موجب می‌شود هنگام حادث شدن یک مشکل، مسئول اصلی آن کار به‌درستی مشخص نشود و پیگیری‌ها و با مشکلاتی روبرو شود.
- **پرتفوی کنترلی:** در یک سطح عمیق‌تر باید مشخص شود که مالک پلتفرم دقیقاً چه مواردی را باید به‌بنگاه‌ها سپرده و از آنها مطالبه کند.

¹ Host

². Amrit Tiwana

• **سیاست‌های قیمت‌گذاری:** اینکه کدام بنگاه‌ها نیاز به حمایت‌های ویژه و مالی مالک پلتفرم دارند. به عبارت دیگر، مالک پلتفرم همیشه باید از نیازهایی که ممکن است بنگاه‌ها داشته باشند مطلع باشد و پروتکل‌های حمایت‌های مالی را با سناریوهای متفاوت تدوین کرده باشد.

حال که با ادبیات اقتصاد اشتراکی و ادبیات پلتفرم‌ها آشنا شدیم، سعی شده است در ادامه پژوهش در جست‌وجوی دلالت‌هایی برای شکل‌گیری دولت پلتفرمی باشیم. در ابتدا پیشینه نظری دولت مدرن و نظام مسائل دولت مدرن بررسی می‌شود؛ سپس به ارائه راه‌حل برای این نظام مسائل و مفهوم‌پردازی دولت پلتفرمی پرداخته خواهد شد.

دولت و دولت مدرن

برخی مفهوم دولت را به یک معنای ویژه به کار برده‌اند و تعاریف محدود و مشخصی از آن ارائه کرده‌اند؛ البته باید توجه داشت هنوز تعریف جامع و فراگیری از دولت وجود ندارد. آقای کول^۱ (1997)، دولت را به عنوان «دستگاه حکمرانی ملی» تعریف می‌کند. لاسکی (1999)^۲، معتقد است به موجب هر تحلیل واقع‌بینانه‌ای از دولت «عمل دولت در واقع همان عمل نظام حکمرانی است» در نتیجه دولت^۳ و نظام حکمرانی^۴ مترادف یکدیگرند. یورمن برازل (2002)^۵، در تعریف دولت می‌گوید: «مجموعه افراد برخوردار از یک سرنوشت نهایی واحد که زور را برای اعمال قدرت در یک قلمرو معین به کار گرفته‌اند». در نهایت، وبر (1958) دولت را نوعی نهاد یا اجتماع انسانی می‌داند که «(به صورت موقتی) مدعی انحصار استفاده مشروع از قدرت فیزیکی در چارچوب جغرافیایی معین است.»

از جمله تحولاتی که باعث گذار دولت سنتی به دولت مدرن شد و شاید بتوان از این تحولات در ریشه‌یابی دولت مدرن بهره برد، عبارت‌اند از:

- سازگاری فزاینده مرزهای سرزمینی با یک نظام حکومتی یکدست؛
- ابداع سازوکارهای جدید قانون‌گذاری و اجرای قانون؛
- متمرکز شدن قدرت اداری؛
- تغییر و گسترش مدیریت مالی؛
- رسمیت پیدا کردن مناسبات دولت‌ها از رهگذر تکوین دیپلماسی و نهادهای دیپلماتیک؛ و
- تشکیل یک ارتش دائمی (Held, 2007)

دولت مدرن تقریباً بر همه فعالیت‌های مردم سایه می‌افکند. از آموزش و پرورش تا مدیریت اقتصادی، از رفاه اجتماعی تا بهداشت عمومی و از نظم داخلی تا دفاع خارجی، دولت همه چیز را شکل می‌دهد و کنترل می‌کند.

1. Cole

2. Laski

3. Government

4. System of government

5. Brazel, yorman

در غیر این صورت، مقررات وضع می‌کند، نظارت می‌کند، اختیار می‌دهد یا ممنوع می‌سازد (Haywood, 2013).

امروزه به قدر کافی شواهد بسیاری وجود دارد که وضعیت و موقعیت عمل دولت‌ها به طور آشکارا دگرگون شده است. در ادامه به تشریح یکی از این شرایط دگرگون یافته و اینکه شرایط سیاسی در معرض تحولات جهانی^۱ و داخلی قرار گرفته پرداخته می‌شود. برای تبیین شرایط متغیر عمل دولت‌ها به یک چارچوب مفهومی نوجوانی^۲ نیاز است. از جمله مفاهیم جدیدی که در دولت مدرن شکل گرفته و با مفاهیم هم تراز خود در گذشته بسیار متفاوت است؛ مفهوم شهروندی است. این مفهوم در ادامه مقاله، ذیل موضوع دولت پلتفرمی بسیار اهمیت پیدا می‌کند و درباره آن بحث خواهد شد. مفهوم شهروندی در گستره حقوق مدرن معنا می‌یابد. گذار از مفهوم رعیت، اتباع و حرکت به سمت شهروندی، لازمه تحقق دولت‌های مدرن است. در مفهوم رعیت، تنها با تکلیف مواجه هستیم و مردم کسانی هستند که در مقابل حکومت، تکالیفی دارند، حتی وقتی مفهوم اتباع در دولت‌های ملی مطرح می‌شود، اگرچه حقوقی هم برای افراد قائل اند اما تکلیف وجه غالب است. در واقع مردم از این جهت که از قدرت مرکزی تبعیت می‌کنند دارای حقوقی هستند، ولی در مفهوم شهروندی اولویت با حقوق مردم است و از آن جهت که حکومت‌ها حقوق اشخاص را تأمین می‌کنند، می‌توانند به مردم تکالیفی را هم واگذار کنند. مقدمه هرگونه تکلیفی، شناسایی و تضمین حقوق است (Christopher, 1996). در جدول ۲ به اصلی‌ترین تیپ‌های ایده‌آل دولت مدرن به ترتیب اشاره شده است.

جدول ۲: تیپ ایده‌آل دولت مدرن

| |
|--|
| مالیات ستان است |
| دارای بوروکراسی باز و گسترده با زبان واحد است. |
| منبع نهایی اعمال خشونت مشروع است. در درون قلمرو دولت هیچ مرجع دیگری حق اعمال خشونت مشروع را ندارد. |
| بی‌واسطه بر اتباع خود حکومت می‌کند. |
| دارای مرزهای مشخص و معین است. |
| اقدام به استانداردسازی در بیشتر حوزه‌ها می‌کند. |
| سعی در همگون‌سازی فرهنگی و هویتی دارد (ملت‌ساز است). |

(مأخذ: SalehNejad, 2016)

دولت پلتفرمی

هرروزه دولت‌ها (دولت مدرن) با مشکلات پیچیده‌ای، از راهبری اثربخش مأموریت‌ها و ارائه خدمات عمومی تا هدایت موضوع‌های سیاسی و پیشبرد توسعه اقتصادی، مواجه هستند. روندهای جمعیتی، فناوری‌های دیجیتال، انتظارات شهروندان و محدودیت‌های بودجه‌ای نیز بر پیچیدگی این وظایف می‌افزایند (Lemson, 2017)، از جمله معضلات خدمات‌رسانی در دولت مدرن بوروکراسی‌های خواسته یا ناخواسته‌ای است که در روند ارائه خدمت وجود دارد؛ این بوروکراسی‌ها سبب کاهش سرعت، کیفیت خدمت و افزایش هزینه هم برای دولت

¹. Globally

². The New Global Conceptual Framework

به‌عنوان ارائه‌دهنده خدمت و هم برای شهروند به‌عنوان تقاضاکننده خدمت می‌شود. دولت‌ها به دنبال راهی هستند تا ضمن کاهش هزینه، امکان ارائه خدمات بیشتر و بهتر به مردم فراهم شود.

تغییر این وضعیت، مستلزم تغییر تفکر دولت در شیوه ارائه خدمات دولتی است، تحولی که فراتر از تغییر سطحی در رویه‌های انجام کاری یا بهینه‌سازی آنها است. پس باید تمرکز از بهبود فرایندها به تغییر اساسی روش به‌دست آوردن خروجی‌ها و نتایج منتقل شود (Di Maio, 2010). ما به دولتی جدید و کوچک‌تر نیاز داریم تا بتواند برای خلق ارزش‌های عمومی و امکان استفاده از قابلیت‌ها، دانش و منابع موجود در جامعه، توسط شهروندان برنامه‌ریزی کند (Johnson & Steves, 2013). باید به این مسئله توجه داشت که در حال حاضر با گسترش دامنه و حجم خدمات‌خواهی از سوی شهروندان، بخش‌های متعدد دولت مدرن توان پاسخگویی کافی و لازم را ندارند و شاید بتوان گفت اغلب این پاسخ‌ها (نه همه آن) کارآمدی لازم را از دست داده‌اند.

با پیشرفت‌های اخیر فناوری اطلاعات شامل وب ۲/۰، وب ۳/۰، توسعه شبکه‌های اجتماعی و سیستم‌های تحت موبایل، امکان تغییر رابطه یک‌سویه از دولت به مردم، به رابطه متقابل و همکاری مردم و دولت فراهم شده است. نسل جدید فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات قابلیت ایجاد تحول در دولت و ارائه خدمات عمومی به‌صورت گسترده را فراهم کرده است. به‌کارگیری این فناوری می‌تواند موجب بهبود بهره‌وری و کارایی دولت شده و امکان تعامل مردم با دولت را در هر زمان و در هر مکانی فراهم نماید. همچنین می‌تواند موجب استحکام فرایند دموکراتیک و توانمندسازی مردم برای مشارکت در تدوین سیاست‌ها گردد (Cassoni, 2015). یکی از نمادهای پیشرفت در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات شکل‌گیری ساختارهای پلتفرمی است. دولت پلتفرمی مدعی است که به‌کارگیری تفکر پلتفرمی در دولت می‌تواند موجب تحول در رویکرد دولت به خدمات عمومی شود؛ همان‌طور که تفکر پلتفرمی در اقتصاد سبب تحولی بزرگ و مثبت در اقتصاد جهانی شد، در نتیجه این تفکر سبب بهبود کیفیت خدمات دولتی و در عین حال کاهش هزینه‌ها در بلندمدت می‌شود. در سال‌های اخیر، ایده‌ای با عنوان «دولت به‌مثابه پلتفرم» مطرح شده که مدعی است می‌تواند مشکلات و نواقص دولت مدرن را برطرف کند. در ایده دولت به‌مثابه پلتفرم، به‌جای اینکه سیستم‌های سفارشی و منحصربه‌فردی داشته باشیم که نمی‌توانند با هم تعامل کنند، گران هستند و ممکن است جوابگو نباشند، می‌توان آنها را با زیرسیستم‌های منعطف، مناسب و قابل‌سازماندهی مجدد^۱ جایگزین کرد (Copeland, E. 2016).

در عصر دیجیتال، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد، شهروندان و حتی ماشین‌ها می‌توانند این خدمات را حتی سریع‌تر، سالم‌تر و مطلوب‌تر از دولت به استفاده‌کنندگان ارائه دهند (Accenture, 2016). در این راستا، توانمندسازی شهروندان با هدف ایجاد نوآوری‌های جدید توسط آنها انجام می‌شود که می‌تواند به تولید رویکردی بهتر در اداره جامعه و حکومت منجر شود. در این مدل دولت یک فراخواننده و توانمندساز است تا از این طریق مشارکت مردم را در انجام امور جلب کند (O'Reilly, 2010). دولت به‌مثابه پلتفرم، افق جدیدی برای دولت دیجیتال است؛ و آن را می‌توان زیرساخت مشترک مرکزی به اشتراک گذاشته شده‌ای از سیستم‌ها،

^۱. Reorganizable

فناوری‌ها و فرایندهای دیجیتال تعریف کرد که بتوان به راحتی روی آن، سرویس‌های دولتی کاربرمحور ساخت (Bracken, 2015).

بر اساس شرح فوق می‌توان با دقت قابل قبولی پذیرفت که نگاه «دولت به‌مثابه پلتفرم» می‌تواند عوامل عدم تحقق دولت الکترونیک را مرتفع و فواید دیگری را هم برای جامعه و دولت رقم بزند که به طور خلاصه عبارت است از:

۱. ساده‌سازی نحوه ارائه خدمات به شهروندان و تسهیل دسترسی به آن‌ها توسط مکانیزم‌های طراحی شده داخل پلتفرم.
۲. بهبود کارایی و اثربخشی دولت از طریق حذف لایه‌های زاید بوروکراسی و ارجاع آن به پلتفرم یکپارچه و چابک و نقش‌آفرینی دولت به‌عنوان «مالک، ناظر و هماهنگ‌کننده».
۳. تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات از طریق جایگزینی شهروندمداری به‌جای بوروکراسی محوری از طریق پلتفرم‌ها.
۴. ساده‌سازی فرایندهای کسب‌وکار در فضای عمومی جامعه.
۵. کاهش هزینه‌ها از طریق یکپارچه‌سازی و حذف سیستم‌های زائد توسط پلتفرم‌ها.
۶. ایجاد نگاه نتیجه‌گرا در دولت.
۷. افزایش خلاقیت برای حل مسائل از طریق به‌کارگیری نقش‌آفرینان متعدد و مکانیزم‌های موجود در بازار در محصولات و خدمات عمومی روی پلتفرم‌ها.

باتوجه به تمام مفاهیمی که در این متن مطرح شد به نظر می‌رسد که دولت پلتفرمی یکی از بهترین رویکردهایی است که می‌تواند در تسهیل امور دولت و کمک به رابطه حاکمیت- شهروندی نقش به‌سزایی ایفا کند. در تعریف دولت پلتفرمی بین محققان و کارشناسان این حوزه اشتراک نظر واحدی وجود ندارد و هر یک از دیدگاه خود این مفهوم را تبیین کرده‌اند. یخچالی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم با استفاده از مرور نظام‌مند و فراترکیب» به جمع‌آوری برخی از تعاریف منتخب دولت به‌مثابه پلتفرم پرداخته‌اند.

جدول ۳: تعاریف مختلف دولت پلتفرمی و بررسی هر کدام

| نویسنده / مؤلف | تعریف | نقد |
|------------------|--|--|
| اورایی، ۲۰۱۰: ۱۴ | استفاده از فناوری (به‌خصوص فناوری‌های مشارکتی مرتبط با وب ۲.۰) برای حل بهتر مشکلات جمعی در یک شهر، کشور یا در سطح بین‌المللی، از طریق ترغیب بخش خصوصی برای ساختن برنامه‌های کاربردی که دولت تشخیص نمی‌دهد یا | داده باز یکی از ملزومات اصلی برای شکل‌گیری دولت پلتفرمی است، اما باید توجه داشت که همه داده‌ها از جمله داده‌های امنیتی و استراتژیک را نمی‌توان به‌صورت داده باز در اختیار عموم قرار داد. |

| | | |
|--|---|------------------|
| | منابع لازم برای توسعه آن را ندارد که لازمه آن ارائه داده باز ^۱ است. | |
| در این تعریف زیرساخت مشترک به اشتراک گذاشته شده، می‌تواند اطلاعات و داده باز هم باشد و فقط محدود به سیستم‌ها، فناوری و فرایندهای دیجیتال نیست. | زیرساخت مشترک مرکزی به اشتراک گذاشته شده‌ای از سیستم‌ها، فناوری‌ها و فرایندهای دیجیتال که به توان به راحتی روی آن سرویس‌های دولتی کاربرمحور و عالی ساخت. | برایکن، ۲۰۱۵ |
| نقدی که در این تعریف به آقای پوپ وارد است؛ این است که وی به هدف اصلی شکل‌گیری دولت پلتفرمی (که همان ارائه خدمات باکیفیت‌تر به شهروندان است) هیچ اشاره‌ای نکرده است. | دولتی بازسازمان‌دهی شده حول اجزای اشتراک گذاشته شده، API ها، استانداردها و مجموعه داده‌های رسمی. | پوپ، ۲۰۱۹: ۴ |
| نقد قابل توجهی وارد نیست؛ فقط در این تعریف منظور از غیرمتمرکز بودن یعنی این که اطلاعات به صورت نامتقارن بین همه توسعه‌دهنده‌ها وجود دارد و توسعه‌دهندگان در یک بازار رقابتی و غیرانحصاری به کاربر (شهروند) خدمت ارائه می‌کنند. | چشم‌انداز دولت به مثابه پلتفرم، برگرفته از ایده سیلیکون ولی ^۲ است که به تیم‌های کوچک امکان امتحان کردن ایده‌های جدید و روش‌های متنوع خود را در زیرساختی چابک، غیرمتمرکز و باز می‌دهد. به جای تلاش برای ساخت یکباره همه چیز، برنامه‌های دیجیتال جدید می‌توانند در فرایندی چابک‌تر و تکاملی‌تر ساخته شوند. پروژه‌ها می‌توانند بعد از اینکه کارایی خود را نشان دادند، افزایش مقیاس داده شوند، نه قبل از آن. | دوپونت، ۲۰۱۸ |
| در این تعریف، بیسونو مفهوم پلتفرمی برای نوآوری را تعریف درست دولت پلتفرمی می‌داند؛ اما او هیچ اشاره‌ای به زیرساخت‌های لازم و بازیگران موجود در دولت پلتفرمی مفهوم نکرده است. | دولت به مثابه پلتفرم، تصور نگاه به دولت به طور عمومی به صورت پلتفرمی برای نوآوری به جای مکانیزمی برای ارائه خدمات است. | بیسونو، ۲۰۱۷: ۱۵ |
| در این تعریف بارنز بیشتر بر بحث برون‌سپاری جمعی به عنوان مفهوم دولت پلتفرمی اشاره کرده است، در صورتی که مفهوم دولت پلتفرمی بسیار وسیع‌تر است و برون‌سپاری جمعی فقط یکی از کارکردهای این دولت است. | به کارگیری مدل‌های داده‌محور و تعاملی از حکمرانی، از طریق بازکردن (در دسترس قراردادن) امکانات دولت برای مردم، به طوری که به مردم اجازه مشارکت در خلق راه‌حل‌ها در همکاری با کارگزاران دولتی و عوامل آنها داده شود. | بارنز، ۲۰۱۸ |
| یکی از بهترین بسترهای شکل دولت پلتفرمی، بستر ابری است؛ اما محدود کردن شکل‌گیری دولت پلتفرمی به این فضا بسیار اشتباه است. فناوری ابری در این تعریف، روشی برای ارائه خدمات فناوری اطلاعات است که در آن منابع و اطلاعات از طریق ابزارهای مبتنی بر وب و اپلیکیشن از اینترنت به کاربر ارائه می‌شوند. این بستر به نیازهای | یک پلتفرم خدماتی منبع‌باز در بستر ابر ^۳ که خدمات، داده‌ها و امکانات توانمندساز دولتی را به عنوان سنگ بنای افزایش بهره‌وری و اثرگذاری فراهم می‌کند. | میلارد، ۲۰۱۷: ۱۳ |

1. open data
2. Silicon Valley
3. Cloud

| |
|---|
| زیرساختی و پایه‌ای سازمان‌ها پاسخ می‌دهد. |
|---|

(Yakhchali, et al. 2020)

به نظر می‌رسد هر یک از تعاریف فوق از منظر خاصی به مفهوم دولت پلتفرمی نگریسته است. نگارندگان معتقدند مفهوم دولت پلتفرمی می‌تواند به صورت زیر بازتعریف شود:

دولت پلتفرمی، دولتی است که درهای خود را از لحاظ داده‌ها و سیاست‌ها و کارکردها باز می‌کند و به کارآفرینان بخش خصوصی، نهادهای عمومی و سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه می‌دهد در یک بستر دیجیتال از قبل تعریف شده و مبتنی بر قواعد تنظیم‌گرایانه فعالیت‌های خود را به صورت کارا تر و اثربخش تر پیش برند.

پیشینه پژوهش

شفیعی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود تحت عنوان «شناسایی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد اشتراکی در سیستم‌های تولیدی» به بررسی ابعاد اقتصاد اشتراکی پرداخته و ارتباط آن با سیستم تولیدی را بررسی کرده‌اند. در نتیجه این پژوهش، سازوکار، هدف، پیامدها و شرایط و الزامات اشتراک‌گذاری در اقتصاد اشتراکی برای یک سیستم تولیدی احصا و ارائه شده است.

حسینی نیا و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «واکاوی مفهومی اقتصاد اشتراکی در راستای طراحی چارچوبی برای تأمین مالی کارآفرینانه» به بررسی قابلیت‌های اقتصاد اشتراکی در تأمین زیرساخت‌های مادی کارآفرینانه در سطوح کارآفرین، بنگاه، سازمان، منطقه و کشور پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از روش فراترکیب نتیجه گرفتند که اقتصاد اشتراکی می‌تواند نقش مؤثری را در تأمین زیرساخت فعالیت‌های کارآفرینانه ایفا کند.

عامری و حیدری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی ملی بر تمایل افراد برای مشارکت در اقتصاد اشتراکی هم‌تا به هم‌تا» با استفاده از روش پیمایشی، میزان تأثیر ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی ملی را بر تمایل افراد برای مشارکت در اقتصاد اشتراکی هم‌تا به هم‌تا بررسی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از روش پیمایشی به این نتیجه رسیدند که جمع‌گرایی، مردگرایی، اجتناب از عدم‌اطمینان و فاصله قدرت همگی تأثیر مثبت معنی‌داری بر تمایل مصرف‌کننده هم‌تا دارد.

یخچالی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم با استفاده از مرور نظام‌مند و فراترکیب» با استفاده از رویکرد نظام‌مند و فراترکیب به شناسایی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم و ارائه چهارچوبی مفهومی از آن پرداخته است. در نتیجه این پژوهش که با استفاده از روش فراترکیب حاصل شد، ۳ تلقی مرسوم از دولت پلتفرمی احصا گردید که عبارت‌اند از: دولت به‌مثابه پلتفرم فناوری، دولت به‌مثابه پلتفرم داده و دولت به‌مثابه اکوسیستم نوآوری. این پژوهش ضمن بررسی این سه مفهوم، نقاط اشتراک و افتراق هر یک را بررسی نموده است.

اوگنی استایرن و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله «دولت به‌عنوان یک پلتفرم: مشارکت بین‌دولتی برای خدمات عمومی در فدراسیون روسیه» به بررسی ابعاد استقرار پلتفرم‌های خدماتی به‌منظور رفع نابرابری در فدراسیون

روسیه پرداخته‌اند. آنها در این مقاله نشان داده‌اند که ماژولار بودن پلتفرم می‌تواند نکته مثبتی در جهت ارائه خدمات عمومی در سیستم سیاسی از بالا به پایین و متمرکز روسیه باشد.

سونهی کیم و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله خود با عنوان «دولت پلتفرمی در عصر فناوری هوشمند» ضمن اشاره به بوروکراسی الگوریتمی که در پلتفرم‌ها به وجود آمده است بیان می‌کند که دولت پلتفرمی، رویکردهای جدیدی را برای مدیریت عمومی می‌طلبد. او در مقاله خود اشاره می‌کند که ماهیت کار در دولت پلتفرمی به طور اساسی تغییر می‌کند و فرایندهای تصمیم‌گیری مجدداً نهادینه می‌شوند.

گرچه در حوزه تعریف دولت پلتفرمی، مکتوبات بسیاری صورت گرفته، لکن در خصوص مختصات آن مقاله‌ای منتشر نشده است. این پژوهش سعی دارد تا با بررسی دلالت‌های اقتصاد اشتراکی و دولت پلتفرمی، مختصات استقرار دولت پلتفرمی را ارائه نماید.

روشن‌شناسی

در محافل علمی، وقتی فلسفه، ایده، چهارچوب، نظریه یا مدلی جدید مطرح می‌شود همه رشته‌ها تمایل دارند از آن‌ها برای توسعه دانش رشته‌ای خود بهره‌گیری کنند. برای این بهره‌گیری چه روشی وجود دارد؟ به‌عنوان مثال، اقتصاد اشتراکی چه مختصاتی را می‌تواند برای مفهوم جدید دولت پلتفرمی پیشنهاد کند؟ هنگامی که ایده یا مفهومی مطرح می‌شود همه رشته‌ها تلاش می‌کنند از آن در توسعه و تعالی رشته خود بهره‌گیری کنند؛ زیرا فلسفه‌ها (مفاهیم بنیادین) برای یک رشته خاص و موضوع خاص مطرح نمی‌شوند و صبغه عمومی دارند. یکی از استراتژی‌های بسیار متداول، اقتباس و عاریه دانش رشته دیگر است. این مبادله وام‌گونه در میان رشته‌های همگون و بعضاً ناهمگون فراوان به چشم می‌خورد (Amini & Zare, 2018). اندیشمندان هر رشته می‌توانند دلالت‌های اولیه‌ای از این آثار برای رشته‌های تخصصی خود احصاء کنند. این دلالت‌ها در مراحل نخست دانش پژوهی بین رشته‌ای بعضاً خام بوده و صرفاً توصیفی - تحلیلی خواهند بود؛ اما با تدقیق و بسط این دلالت‌ها پژوهش‌های تجربی - میدانی منجر به دانش محلی خاص هر رشته خواهد شد (Danaeifard, 2016). دلالت پژوهشی در این تحقیق بر اساس روش‌شناسی پیشنهاد شده دکتر دانایی‌فرد تنظیم و سازماندهی شده است.

روش‌شناسی دلالت‌پژوهی برای اجرای پژوهش‌هایی مناسب است که در آن پژوهشگران قصد دارند از سهم‌یاری‌های یک رشته، یک مکتب، یک فلسفه، یک نحله مطالعاتی، یک چارچوب، یک نظریه، یک مدل و یا یک ایده عام و گاه خاص به‌مثابه منبع اخذ دلالت، رهنمودهای اولیه‌ای را برای رشته، حوزه یا موضوع مطالعاتی خود به‌مثابه مقصد احصاء کنند. این نوع مطالعات از صبغه‌ای طولانی برخوردارند و انواع مختلفی را دربرمی‌گیرند (Mohammadi et al., 2018). از آنجا که پژوهش حاضر درصدد واکاوی دلالت‌ها و سهم‌یاری‌های مفهوم اقتصاد/اشتراکی در شکل‌گیری مختصات اصلی مفهوم دولت پلتفرمی است، روش پژوهش مناسب آن دلالت‌پژوهی می‌باشد.

همان‌طور که در روش‌شناسی داده‌بنیاد سه گونه بارز وجود دارد (نظام‌مند، برایشی، ساخت‌گرا)، در پژوهش‌های دلالت‌پژوهی نیز دو گونه اصلی برای انجام این پژوهش‌ها وجود دارد که در ادامه به طور مختصر بیان می‌شوند:

طرح پژوهش دلالت‌پژوهی نظام‌مند

در این طرح پژوهشی، پژوهشگر در ابتدا چارچوب مفهومی که به دنبال دلالت‌هایی از رشته، فلسفه، چارچوب، نظریه، مدل یا ایده‌های طرح شده در مجامع علمی است، به تفصیل طراحی می‌کند و سپس در مآخذ استقراض دلالت‌ها به دنبال یافتن دلالت‌هایی برای تک‌تک عناصر تشکیل‌دهنده آن چارچوب مفهومی می‌گردد. برای مثال برای احصای دلالت‌های علم پیچیدگی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی، چرخه خط‌مشی‌گذاری را که مشتمل بر تعیین و تعریف مسئله، دستور کارگذاری، فرموله‌کردن مسئله، اجرای خط‌مشی، ارزشیابی خط‌مشی، تغییر خط‌مشی و خاتمه خط‌مشی است را مبنای دلالت‌پژوهی خود از علم پیچیدگی قرار می‌دهد. در این حالت بین سهم‌یاری‌ها (نکات کلیدی علم پیچیدگی)، دلالت‌های هر سهم‌یاری برای تک‌تک عناصر چرخه خط‌مشی نوعی تناظر برقرار می‌شود. بیشتر مطالعات دلالت‌پژوهی بر این رویکرد متمرکزند؛ اما رویکرد برایشی نیز وجود دارد.

طرح پژوهش دلالت‌پژوهی برایشی

در این طرح پژوهشی، پژوهشگر یک سؤال کلی را مطرح می‌کند تا مشخص شود که مآخذ دلالت‌پژوهی چه دلالت‌هایی برای عرصه کلی پژوهش وی دارد. برای مثال رئالیسم انتقادی چه رهنمودها یا دلالت‌هایی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی دارد؟ بعد از مطالعه مشخص می‌شود که رئالیسم انتقادی برای فرایند خط‌مشی‌گذاری، تحلیل خط‌مشی‌های عمومی و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی دلالت‌هایی دارد؛ ولی این دلالت‌ها و موضوع دلالت‌ها به صورت ناگهانی و ظهوری (برایشی) شکل می‌گیرند و چارچوب مفهومی اولیه‌ای از موضوع‌های دلالت‌ها مشخص نشده است (Danaeifard, 2016).

شیوه اجرای پژوهش

در این تحقیق با بهره‌گیری از روش دلالت‌پژوهی برایشی، سهم‌یاری‌ها و دلالت‌هایی از مفهوم اقتصاد اشتراکی به منظور استخراج مختصات اصلی مفهوم دولت پلتفرمی استفاده شده است و سپس با طبقه‌بندی سهم‌یاری‌های همگون در یک بخش، مختصات پیشنهادی و مرتبط با مفهوم دولت پلتفرمی احصاء شده است. تطابق مقوله مختصات احصاء شده مفهوم دولت پلتفرمی با دلالت‌های مرتبط با آن از مفهوم اقتصاد اشتراکی، از طریق پرسش از خبرگان موضوع صورت پذیرفته است. همچنین به منظور گردآوری اطلاعات و ادبیات نظری از روش مطالعات کتابخانه‌ای اسناد مختلف و موجود و گزارش‌های ارائه‌شده در مؤسسات داخلی و بین‌المللی در رابطه با مفاهیم دولت پلتفرمی، اقتصاد اشتراکی، دولت مدرن و پلتفرم بهره‌گیری شده است. روش‌های کتابخانه‌ای شامل فرایندی منظم و گام‌به‌گام است که برای گردآوری اطلاعات برای نگارش یک متن علمی استفاده می‌شود. بدین منظور مراحل زیر در این تحقیق گام‌برداری شد:

الف) استخراج سهم‌یاری‌های مختصات دولت پلتفرمی از مفهوم اقتصاد اشتراکی؛

ب) طبقه‌بندی مفهومی سهم‌یاری‌های منتخب از اقتصاد اشتراکی؛

ج) استخراج مختصات دولت پلتفرمی، با عنایت به هر طبقه از سهم‌یاری‌های به‌دست آمده؛

د) عرضه مختصات به‌دست‌آمده به خبرگان موضوع

ه) اصلاح و ویرایش طبقه‌بندی سهم‌یاری‌ها و مختصات به‌دست‌آمده؛

و) استخراج نهایی و پیشنهاد مختصات مفهوم جدید دولت پلتفرمی با عنایت به سهم‌یاری‌های ایده اقتصاد اشتراکی.

گذار از دولت مدرن به
دولت پلتفرمی ...

۲۰۰ | صفحه

پژوهش حاضر برای دقت بیشتر در دلالت‌های احصاء شده از اقتصاد اشتراکی و نیز برای سنجش مختصات مفهومی ارائه شده از دولت پلتفرمی، ایده‌ها و یافته‌های پژوهش را اعتبارسنجی کرد. برای این منظور ایده اصلی و یافته‌های پژوهش به همراه پرسشنامه باز به شرح جدول ۴ در اختیار تعدادی از خبرگان موضوع پژوهش و پژوهشگران حوزه اقتصاد اشتراکی، پلتفرم‌ها و دولت پلتفرمی قرار داده شد تا با جمع‌بندی و اصلاح نتایج پژوهش، قوام‌یافته‌های پژوهش از منظر خبرگان مورد تأیید قرار گیرد.

جدول ۴: پرسش‌نامه پژوهش و اعتبارسنجی یافته‌ها

| ردیف | سؤالات |
|------|---|
| ۱ | با عنایت به متنی که مطالعه کردید، آیا اقتصاد اشتراکی را زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت پلتفرمی می‌دانید؟ |
| ۲ | به نظر شما دولت پلتفرمی می‌تواند جایگزین مناسبی برای بسیاری از چالش‌های دولت مدرن باشد یا خیر؟ اگر خیر چرا و پیشنهاد جایگزین شما برای حل نظام مسائل دولت مدرن چیست؟ |
| ۳ | دسته‌بندی ذکر شده از دلالت‌های احصاء شده اقتصاد اشتراکی را قبول دارید؟ چه دلالت‌هایی در این دسته‌بندی‌ها باید اضافه یا حذف شوند؟ |
| ۴ | آیا دلالت‌های احصاء شده از اقتصاد اشتراکی را مرتبط با ارکان دولت پلتفرمی ذکر شده می‌دانید؟ |
| ۵ | اگر در زمینه اقتصاد اشتراکی و دولت پلتفرمی مطالعه‌ای داشتید و می‌توانید مختصات جدیدی برای دولت پلتفرمی (افزون بر ۶ رکن ذکر شده) پیشنهاد بدهید؛ لطفاً آن‌ها را ذکر کنید. |

روایی و پایایی جزو ارکان اصلی در پژوهش کمی هستند و در پژوهش‌های کیفی به طور اعم و مطالعات هرمنوتیکی متنی؛ مانند پژوهش‌های کمی متداول نیستند؛ زیرا «افراد از یک پدیده ممکن است برداشت‌های متفاوتی داشته باشند» و تعمیم‌پذیری مد نظر پژوهشگران کمی در پژوهش‌های دلالتی چندان مد نظر نیست. درعین‌حال، در هر کدام از مراحل روش‌شناسی پژوهش‌های دلالتی دقت لازم برای تقریب به روایی و پایایی صورت می‌گیرد (Danaeifard, 2016). در مرحله احصای سهم‌یاری‌ها میزان تکرار آنها در متون مختلف و استنادات داده شده به آن‌ها می‌تواند روایی و پایایی سهم‌یاری‌ها را تا حدی تضمین کند. در مورد سهم‌یاری‌هایی که برای نخستین بار احصا می‌شود، بررسی نظرات خبرگان می‌تواند به این امر کمک کند. در مرحله دلالت‌پژوهی نیز میزان استنادات درون متون دلالت‌های احصایی از یک طرف و بررسی نظرات خبرگان می‌تواند به این امر کمک کند. با عنایت به اینکه سهم‌یاری‌های پژوهش حاضر برای اولین بار احصاء می‌شود؛ روایی و پایایی یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از نظرات خبرگان موضوع تأیید شده است.

خبرگان پژوهش حاضر از نهادهای اجرایی کشور و پژوهشگران دانشگاه و مؤسسات علمی کشور برگزیده شده‌اند. در این پژوهش به‌منظور انتخاب خبرگان از روش نمونه‌گیری هدف‌مند بهره‌گیری شده است. در این روش تعریف جامع خبرگان شامل شناخت کلی در حوزه حکمرانی الکترونیک است؛ اما در تعریف مانع خبرگان دارا بودن سابقه فعالیت اجرایی و پژوهشی، تحصیلات مرتبط و مسئولیت در حوزه مذکور نیز قرار دارد. در نهایت با توجه تعریف جامع‌و‌مانع در روش نمونه‌گیری هدف‌مند، از تجربه ۱۰ نفر از خبرگان در این پژوهش استفاده شده است. علت بهره‌گیری هم‌زمان خبرگان اجرایی و علمی در پژوهش حاضر آن است که این موضوع علاوه بر جنبه علمی و آکادمیک، می‌تواند ابعاد اجرایی در کشور پیدا کند. مسئولیت و تحصیلات برخی از خبرگان این پژوهش در جدول ۵ ذکر شده است:

جدول ۵: معرفی خبرگان پژوهش

| تعداد | مسئولیت و تخصص | تحصیلات |
|-------|---|-------------------------------|
| ۱ نفر | معاون حکمرانی الکترونیک و هوشمندسازی نظام اداری | هیئت علمی دانشگاه |
| ۳ نفر | مشاورین اقتصاد دیجیتال نهادهای اجرایی | دکتری تخصصی |
| ۶ نفر | پژوهشگران حوزه حکمرانی و دولت هوشمند | کارشناسی ارشد و دانشجوی دکتری |

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

همان‌طور که بخش‌های قبلی هم به آن اشاره شد، جامعه نمونه مطالعاتی پژوهش به‌منظور مطالعه و گردآوری سهم‌یاری‌های اقتصاد اشتراکی شامل تمامی گزارش‌ها، اسناد، مقالات علمی و کتاب‌های تألیف شده فارسی و لاتین، در حوزه اقتصاد اشتراکی و دولت پلتفرمی از سال ۲۰۱۵ به بعد است. این اسناد و گزارش‌ها از طریق جستجوی کلیدواژه‌های اقتصاد اشتراکی، اقتصاد دیجیتال، اقتصاد الکترونیک، پلتفرم و حکمرانی پلتفرمی در پایگاه‌های علمی معتبری همچون ¹ESI، ²WOS، ³JCR و گوگل اسکولار⁴ گردآوری شده است. در این مرحله بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب، مقاله علمی، گزارش و سند گردآوری شد که پس از پالایش زمانی و رتبه‌بندی علمی این اسناد حدود ۴۰ سند با عنوان پژوهش حاضر تطابق بالایی داشته و به‌عنوان مرجع گردآوری سهم‌یاری‌ها و دلالت‌ها استفاده شده است.

در مرحله احصای سهم‌یاری‌ها با مطالعه اسناد، کتاب‌ها و گزارش‌های موجود تقریباً تمام ویژگی‌ها و مفاهیم پایه‌ای اقتصاد اشتراکی که در موفقیت این نوع از اقتصاد در مقابل اقتصاد کلاسیک نقش داشته، گردآوری شده است. در مرحله بعد مفاهیم پایه‌ای که قرابت مفهومی فراوانی با یکدیگر داشتند در یک سهم‌یاری ادغام شده است. سپس سهم‌یاری‌های احصاء شده در چند دسته موضوعی طبقه‌بندی شده‌اند. در مرحله بعد این دلالت‌های احصاء شده به‌منظور روایی و پایایی پژوهش به خبرگان محترم عرضه شده و از آن‌ها خواسته شده است

¹ . Essential Science Indicators

² . Web of Science

³ . Journal Citation Reports

⁴ . google scholar

دلالت‌های احصاء شده را تأیید کنند و در صورت لزوم دلالت‌هایی را به این مجموعه اضافه و یا از این مجموعه حذف کنند. در مرحله بعد تغییرات مدنظر خبرگان در دلالت‌ها انجام گرفته و به‌منظور اجماع نظری خبرگان مجدداً به آن‌ها جهت تأیید عرضه شده است. این مرحله تا رسیدن به اجماع نظری ادامه یافته است.

بعد از مرحله طبقه‌بندی سهم‌یاری‌های به‌دست آمده از ایده اقتصاد اشتراکی، شش مشخصه برای مفهوم دولت پلتفرمی مطابق با مفهوم پایه‌ای هر دسته از دلالت‌ها و ویژگی پلتفرم‌ها که در متن پژوهش به آن اشاره شده، احصا گردید. مختصات ترسیم شده دولت پلتفرمی از سهم‌یاری‌های مفهوم اقتصاد اشتراکی، یکی از اصلی‌ترین نوآوری‌های پژوهش حاضر است و این مختصات عبارت‌اند از: شهروندمحوری، جمع‌سپاری، بهره‌مندی همگانی، توانمندسازی شهروندان، شکل‌گیری پودمانی و کارآمدی و بهینه بودن. در ادامه با ارائه متن اصلی و یافته‌های پژوهش دلالت‌های احصاء شده از اقتصاد اشتراکی و مختصات دولت پلتفرمی مرتبط با آن در جدول ۶ به‌صورت مختصر بیان شده است.

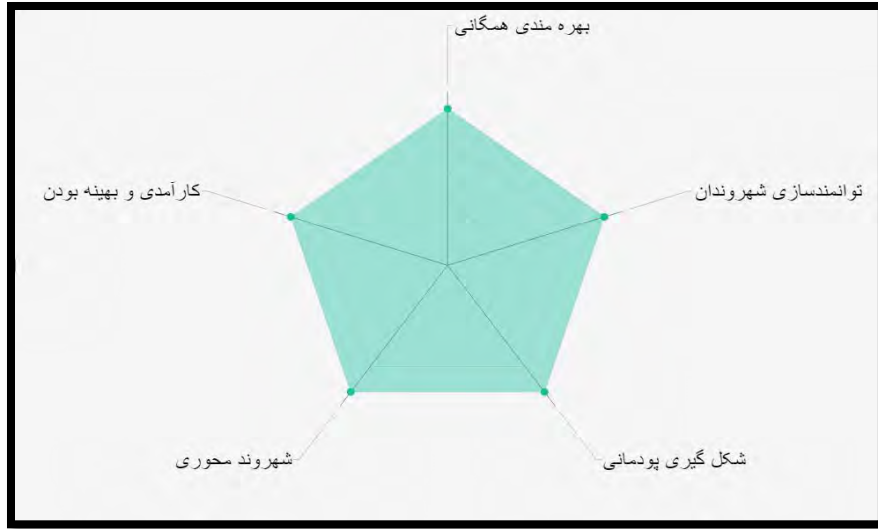
جدول ۶: دلالت‌پژوهی مختصات دولت پلتفرمی

| مختصات و مفاهیم ترسیم شده برای دولت پلتفرمی | دلالت‌های احصاء شده از اقتصاد اشتراکی |
|---|---|
| شهروندمحوری | محوریت کاربر نهایی و اهمیت درک نگرش وی در پیشرفت اهداف اقتصاد اشتراکی، زمینه سفارشی‌سازی ^۱ محصول یا خدمت توسط مشتری و توجه ویژه به نوآوری‌های مشتری، اهمیت اثر شبکه‌ای که کاربری‌هایی ایجاد می‌کند. |
| کارآمدی و بهینه بودن | انتفاع دوجانبه در اقتصاد اشتراکی و استفاده از منابع قفل نشده، هوش مصنوعی به‌کارگرفته‌شده در اقتصاد اشتراکی، استفاده از فناوری یادگیری ماشین در اقتصاد اشتراکی (مثل سیستم پیش‌بینی آب‌وهوا که در پلتفرم‌ها مختلف به کار می‌رود)، رقابتی بودن بازار در اقتصاد اشتراکی، شکل‌گیری رقابتی سالم و منصفانه بین همه ارائه‌دهندگان |
| شکل‌گیری پودمانی و قابلیت بازسازمان‌دهی | ماژولار بودن اقتصاد اشتراکی، تطابق با تغییرات دائمی در طی زمان، رشد تکاملی و وابستگی متقابل و مکمل بودن شرکت‌کنندگان در اقتصاد اشتراکی، اکوسیستمی بودن اقتصاد اشتراکی، ساختار بلوکی بودن در اقتصاد اشتراکی |
| بهره‌مندی همگانی و سطح پوشش در ارائه خدمات | اینترنت در دسترس، ارزان و همگانی، سادگی و امکان یادگیری راحت، مفهوم چند اتصالی بودن در اقتصاد اشتراکی (که در بخش ویژگی‌های اصلی در پلتفرم‌ها توضیح داده شده)، بوروکراسی زدایی و حذف مقررات زائد در اقتصاد اشتراکی، ظهور پردازش ابری و استفاده آن در اقتصاد اشتراکی |
| توانمندسازی شهروندان | زمینه نوآوری و خلق ایده برای مشتری در اقتصاد اشتراکی، اصل یادگیری از پایین‌به‌بالا در اقتصاد اشتراکی، آموزش و مهارت‌افزایی در اقتصاد اشتراکی (مثل آموزشی که اینستاگرام برای استفاده از فیلترهای مختلف تصویر دارد) |

(مأخذ: Research findings)

به نظر می‌رسد وقتی سخن از دولت پلتفرمی به میان می‌آید، این مفهوم دارای مختصات (مفاهیم) شکل ۴ است:

1. Customization



شکل ۳: مختصات مفهوم دولت پلتفرمی (مأخذ: Research findings)

در این مختصات، عوامل شناسایی شده برای دولت پلتفرمی، شامل تعاریف ذیل می‌باشند:

- **توانمندسازی شهروندان:** دولت‌ها توانمندسازی شهروندان را با هدف خلق ایده‌هایی نو و نوآوری‌هایی جدید توسط آن‌ها به‌منظور حل نظام مسائل دولت، انجام می‌دهند. مشارکت شهروندان در حل نظام مسائل دولت و از سوی دیگر مهارت‌افزایی و توانمندسازی شهروندان توسط دولت، به کاهش فاصله و شکاف بین تفکرات دولت و شهروندان بسیار کمک می‌کند.
- **شهروندمحوری:** شهروندمحوری به معنای جمع‌سپاری بسیاری از مسائل و چالش‌های دولت به شهروندان است. زمانی که شهروند، نیاز و نوآوری‌های وی در حل مسائل دولت، محترم شمرده شود، آنگاه شهروندمحوری صورت می‌پذیرد. یکی از مصادیق شهروندمحوری، توجه ویژه دولت‌ها به درک نگرش شهروندان و داده‌هایی که از سوی ایشان تولید می‌شود، است.
- **بهینه بودن و کارآمدی در ارائه خدمات:** مهم‌ترین هدف و مشخصه‌ای که دولت پلتفرمی برای تحقق آن شکل گرفته است، مسئله بهینه بودن و کارآمدی در ارائه خدمات است. رسیدن به این هدف از طریق مشخصه‌هایی که در خود پلتفرم وجود دارد، از جمله چندسویه بودن، انتفاع دوطرفه، سادگی و دردسترس بودن به‌راحتی امکان‌پذیر است.

• **شکل‌گیری پودمانی (طراحی ماژولار)^۱:** طراحی پودمانی یعنی موجودیت مورد طراحی قابلیت افزودن لوازم جانبی پس از طراحی را در خود داشته باشد. برنامه‌ای که به صورت پودمانی یا ماژولار نوشته می‌شود، به جای اینکه تمام قسمت‌ها و قابلیت‌های آن به صورت یکجا نوشته شود، در چند قسمت مستقل و قابل استفاده مجدد نوشته می‌شود. این کار باعث می‌شود هم هزینه نگهداری برنامه در آینده کاهش یابد و هم از ماژول‌ها در پروژه‌های دیگر استفاده کرد.

• **بهره‌مندی همگانی:** سطح پوشش در ارائه خدمات یا بهره‌مندی همگانی یکی از ارزشمندترین مختصات دولت پلتفرمی است. این مشخصه سبب خواهد شد که همه شهروندان (مردم کشور) در هر مکان و زمانی بتوانند از خدمات عمومی و دولتی به طور عادلانه‌ای بهره‌مند شوند.

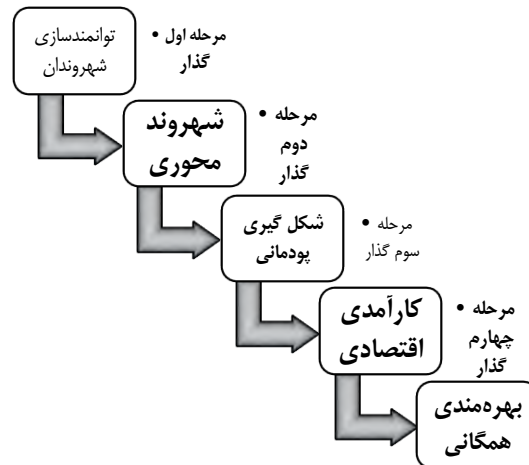
باتوجه به مفاهیم و مختصاتی که در این نوشتار برای دولت پلتفرمی ترسیم شده از جمله: ۱. شهروندمحوری ۲. جمع‌سپاری (همکاری جمعی) ۳. بهره‌مندی همگانی ۴. بهینه بودن و کارآمدی، ۵. شکل‌گیری پودمانی ۶. توانمندسازی شهروندان^۲ می‌توان دلالت‌هایی را برای این مختصات (مفاهیم) ذکر شده از اقتصاد اشتراکی ارائه داد که این دلالت‌ها به شکل بارز و چشمگیری در اقتصاد اشتراکی سبب موفقیت این نوع از اقتصاد در زمینه‌های مختلف شده است. به جدول ۴ مراجعه کنید.

اقتصاد اشتراکی همچنان که در ابتدای این نوشتار بدان اشاره شد، سبب پیشرفت و تحول ساختار شکنانه‌ای در موضوعاتی همچون ۱. مفهوم مالکیت ۲. کارآمدی اقتصادی و بهینه‌شدن استفاده از منابع ۳. رقابت سالم و منصفانه اقتصادی ۴. سهولت دسترسی به کالا و خدمات در کنار کیفیت بهتر شده است. دلالت‌یابی از این اقتصاد نوظهور برای یافتن مفهوم جدیدی بنام دولت پلتفرمی، سبب می‌شود که بسیاری از ناکارآمدی‌ها و مشکلات نظام حاکمیتی، پاسخی جدید دریافت نماید. نگارندگان باتوجه به دلالت‌یابی صورت گرفته از اقتصاد اشتراکی و موضوعات و مفاهیمی که در این نوشتار بدان اشاره شده است، معتقدند که شکل‌گیری دولت پلتفرمی پاسخی جدید و بهینه به نظام مسائلی است که دولت مدرن، امروزه با آن سروکار دارد.

برای فهم بهتر نقش دلالت‌های احصاء شده از اقتصاد اشتراکی و کاربرد عملی آن در دولت پلتفرمی باید تمرکز و دقت ویژه‌ای بر تمام مفاهیمی که در چهار بخش ابتدایی این پژوهش بیان شد، وجود داشته باشد. برای این منظور ابتدا مفاهیم و مختصات ذکر شده برای دولت پلتفرمی را گام‌هایی جهت گذار از دولت مدرن به دولت پلتفرمی به ترتیب شکل ۵ تصور کنید:

1. Modular design

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به بخش مختصات دولت پلتفرمی



شکل ۴: مراحل گذار از دولت مدرن به دولت پلتفرمی (مأخذ: Research findings)

مطابق آنچه در شکل ۴ به تصویر کشیده شده است دولت مدرن برای نیل به سطح دستاوردهای دولت پلتفرمی باید چهار مرحله را پشت سر بگذارد. در مرحله اول دولت مدرن باید با فراهم کردن زیرساخت‌ها و پلتفرم‌های مورد نیاز شرایط جمع‌سپاری و بهره‌گیری از نظرات و ایده‌های شهروندان را فراهم کند. همچنین در این مرحله دولت مدرن باید نهایت بهره را از اثر شبکه‌ای ایجاد شده توسط شهروندان در مسیر حرکت به سمت دولت پلتفرمی داشته باشد. در مرحله دوم گذار دولت مدرن با فراهم کردن شرایط تطابق با تغییرات دائمی در طی زمان، اکوسیستمی کردن ساختار دولت و فراهم کردن شرایط رشد تکاملی و وابستگی متقابل در اکوسیستم دولت می‌تواند از مرحله شهروندمحوری صرف جدا شده و زمینه را برای رسیدن به کارآمدی اقتصادی فراهم کند. در مرحله سوم گذار، دولت مدرن با فراهم کردن شرایط انتفاع دوجانبه و استفاده از منابع قفل نشده در ساختار دولت، بهره‌گیری از هوش مصنوعی، استفاده از فناوری یادگیری ماشین و... زمینه کارآمدی اقتصادی را برای همه شرکت‌کنندگان در اکوسیستم دولت پلتفرمی را فراهم می‌کند. کارآمدی اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف مادی همه دولت‌ها در طول تاریخ بشریت بوده که این مهم را می‌توان در مرحله سوم گذار از دولت مدرن به دولت پلتفرمی به دست آورد. در مرحله چهارم گذار، دولت مدرن با فراهم کردن شرایطی از جمله اینترنت در دسترس، ارزان و همگانی، سادگی و امکان یادگیری راحت، بوروکراسی‌زدایی و حذف مقررات زائد و... می‌تواند به یکی از عالی‌ترین اهداف دولت پلتفرمی دست یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش حاضر سعی شد با در نظر گرفتن موفقیت‌ها و تحولات ساختار شکنانه‌ای که اقتصاد اشتراکی، در اقتصاد جهانی به وجود آورده است؛ دلالت‌هایی را به منظور موفقیت و کارآمدی مفهوم جدیدی تحت عنوان دولت پلتفرمی، در بسیاری از نظام مسائل و مشکلاتی که امروزه دولت مدرن با آن روبه‌رو است، احصاء و به مخاطب نشان داده شود. برای این منظور در این پژوهش ابتدا به تبیین ادبیات اقتصاد اشتراکی و ادبیات پلتفرم پرداخته شد و تا حدودی پیشرفت‌ها و تحولات مثبتی که این دو مفهوم در اقتصاد جهانی به وجود آورده‌اند؛ بازنمایی گردید. سپس به ادبیات دولت مدرن و چالش‌هایی که امروزه این دولت با آن روبه‌رو است پرداخته شد،

مشکلاتی از قبیل وجود بوروکراسی‌های زائد در ارائه خدمات عمومی، کیفیت و سرعت پایین در ارائه خدمات عمومی، ضخامت بازار خدمات عمومی و هزینه سنگین ارائه این خدمات توسط دولت. پژوهش حاضر به‌وضوح نشان داد که دولت‌های مدرن به‌منظور پاسخگویی مناسب به بسیاری از چالش‌هایی که امروزه در کیفیت و کمیت ارائه خدمات به شهروندان با آن مواجه هستند، می‌توانند ایده دولت پلتفرمی بهره‌گیری کنند. اثبات موفقیت ایده دولت پلتفرمی در نظام مسائلی که برای دولت مدرن ذکر شد از طریق روش دلالت‌پژوهی و با استفاده از سهم‌یاری‌های مفهوم اقتصاد اشتراکی صورت پذیرفت.

گذار از دولت مدرن به
دولت پلتفرمی ...

۲۰۶ | صفحه

بررسی روند شکل‌گیری مفهوم دولت پلتفرمی از ایده اولیه تا به‌کارگیری عملی آن در کشورهای مختلف، نشان‌دهنده نوعی سردرگمی و ابهام مفهومی بود و مرور پژوهش‌ها در این حوزه از نبود مختصات مفهومی جامع و همچنین تکرر برداشت‌های نظری و عملی از مفهوم دولت پلتفرمی حکایت دارد. همان‌طور که اشاره شد، هر یک از پژوهش‌های پیشین، از زاویه‌ای و با تأکید بر جنبه خاصی از دولت پلتفرمی به بررسی مفهوم آن پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها، برای احصای ویژگی‌های مبنایی دولت پلتفرمی و ارائه مختصات مفهومی تلاش‌هایی شده، اما هیچ‌یک، از جامعیت لازم برخوردار نبوده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش دلالت‌پژوهشی صورت‌گرفته که در آن سعی شده است با بیان تعاریف مختلفی که از مفهوم جدید دولت پلتفرمی وجود دارد و بررسی کامل هر کدام از این تعاریف، اولاً تعریف کامل‌تر و دقیق‌تری از این مفهوم به مخاطب ارائه گردد، ثانیاً با ترسیم مدل مفهومی پنج‌گانه‌ای برای دولت پلتفرمی، مختصات اصلی دولت پلتفرمی را برای مخاطب بازنمایی شود.

بررسی پژوهش‌های داخلی صورت‌گرفته در حوزه اقتصاد اشتراکی از زمان شکل‌گیری این ادبیات در داخل کشور، نشان‌دهنده آن است که غالب این پژوهش‌ها در حوزه شناسایی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد اشتراکی صورت‌گرفته است. غالب این پژوهش‌ها مبتنی بر این رویکرد شکل‌گرفته‌اند که اقتصاد اشتراکی می‌تواند روش‌هایی مناسب به‌منظور بهبود وضعیت اقتصادی و استفاده حداکثری از منابع موجود را به همراه داشته باشد. در یک مقایسه کوتاه می‌توان گفت پژوهش حاضر نیز با عنایت به رویکرد موفق اقتصاد اشتراکی در حوزه اقتصاد شکل‌گرفته است؛ اما تنها به بررسی مؤلفه‌ها و ابعاد آن نپرداخته است؛ بلکه از مولفه‌های این رویکرد موفق با استفاده از روش دلالت‌پژوهی به‌عنوان سهم‌یاری‌هایی جهت اثبات موفقیت رویکرد دولت پلتفرمی بهره‌جسته است.

در برخی دیگر از پژوهش‌ها که به بررسی مفهوم دولت پلتفرمی پرداخته‌اند، همچون مقاله «واکاوی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم با استفاده از مرور نظام‌مند و فراترکیب»^۱ نیز تفاوت‌هایی در هدف و نتایج پژوهش وجود دارد. هدف پژوهش مذکور شناسایی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم و ارائه چارچوبی مفهومی از ویژگی‌ها و برداشت‌های مختلف از آن است. هدف پژوهش پیش‌رو نیز در شناسایی ابعاد و مولفه‌های دولت پلتفرمی با پژوهش دکتر یخچالی و همکاران قرابت دارد؛ اما در بخش متوقف نمی‌شود و در ادامه به معرفی رویکرد دولت پلتفرمی به‌عنوان راه‌حل مناسب دولت‌های مدرن به‌منظور رفع بسیاری از نظام مسائل آن‌ها می‌پردازد. طبق

^۱ . یخچالی، مهدی، طهماسبی، رضا، لطیفی، میثم، و فرجی ملائی، امین. (۱۳۹۹).

نتایج پژوهش دکتر یخچالی و همکاران سه نوع زاویه نگاه به مفهوم دولت به مثابه پلتفرم شکل می‌گیرد که در پژوهش تلاش شد ویژگی‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌های این سه نوع زاویه نگاه به طور کامل احصاء شود. این در حالی است که پژوهش پیش رو به دنبال معرفی مختصات مفهوم دولت پلتفرمی با عنایت به سهم‌یاری‌هایی از مفهوم اقتصاد اشتراکی است.

باید به این موضوع توجه داشت که در کشور ما به‌منظور شکل‌گیری دولت پلتفرمی، مزیت‌های فراوانی وجود دارد. از جمله اینکه انقلاب ما و سیستم حکمرانی ما مردم پایه است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود سیستم حکمرانی کشور در قالب دولت پلتفرمی پیاده‌سازی شود تا این ویژگی، نمود بهتری داشته باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود دولت در تمامی خدماتی که اکنون در حال الکترونیکی کردن است، تمامی ویژگی‌های دولت پلتفرمی از جمله دوسویه بودن (خدمت‌گیرنده، خدمت‌دهنده) مدنظر قرار دهد و بسترهای آن مناسب آن را شکل دهد.

با توجه به اینکه در این پژوهش حاضر سعی شد مختصات مبنایی دولت پلتفرمی مورد بحث و بررسی قرار گیرد پیشنهاد می‌شود محققین در پژوهش‌های آتی به موضوعاتی نظیر طراحی مدل بلوغ دولت پلتفرمی، بررسی میزان انطباق‌پذیری جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر چارچوب دولت پلتفرمی، مطالعه تطبیقی کشورهای هدف با مشخصه‌های دولت پلتفرمی بپردازند. محدودیت پژوهش حاضر باتوجه به جدید بودن مفهوم دولت پلتفرمی، کمبود ادبیات علمی و نظری برای بررسی بیشتر و عمیق شدن در مفاهیم موضوع پژوهش است.

فهرست منابع

1. Accenture (2016). *Government as a Platform : Coming soon to a government near you*. Acenture. Available in: https://www.accenture.com/t20160831T013223_w_usen/acnmedia/PDF-29/Accenture-Government-Platform-POV.pdf.
2. Afzali, Rasool (1386). The book "Modern Government in Iran", Mofid Qom University Publications.
3. Akbari Hamed, July 2019. *Conceptual evolution of government in the digital age: the need for a platform view of government*. Published on the site: <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-۲۲۳۶۳۱> (in Persian)
4. Amini, Seyedjavad, Zare, Ali, (2017). "Research implications of the policy evaluation model based on the teachings of Nahj al-Balagheh". *Biannual Journal of Islamic & Management Vol.7, No.14 Autumn & Winter 2018-2019 (in Persian)*.
5. Armstrong, M. (2006). *Competition in two-sided markets. The Rand Journal of Economics*.(37) 3 •Pages 668-691
6. Barns, S. (2018). *Smart cities and urban data platforms: Designing interfaces for smart governance*. *City, Culture and Society, 12*(2018), pp 5–12.
7. Bisogno, R. (2017). *Problem-Solving in Homeland Security and Creating Policy Conditions for Enhanced Civic Engagement: An Examination of Crowdsourcing Models*. *Homeland Security Affairs*. Naval Postgraduate School, Center for Homeland Defense and

- Security,
Monterey, California, USA.
8. Borghei, Seyed Amirreza (2019): Journal of Growth Reflections: Spring and Summer - 2019 No. 3 from pages 113 to 110. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1556969> (in Persian)
 9. Botsman, R., & Rogers, R. (2012). *What's mine is yours: How collaborative consumption is changing the way we live*. London: Collin
 10. Bracken, M. (2015). *Government as a Platform: the next phase of digital transformation* Retrieved February 20, 2017, from <https://gds.blog.gov.uk/2015/03/29/government-as-a-platform-the-next-phase-of-digital-transformation>
 11. Bradley, D., Russell, D., Ferguson, I., Isaacs, J., MacLeod, A., & White, R. (2015). The Internet of Things–The future or the end of mechatronics. *Mechatronics*, 27, 57-74
 12. Brazel, yorman(2002), *A Theory of the State*, U. K: Cambridye University Press.
 13. Ceccagnoli, M., Forman, C., Huang, P., & Wu, D. J. (2012). *Cocreation of value in a platform ecosystem: The case of enterprise software*. *MIS Quarterly*, 36(1), 263–290
 14. Choudary, S. P. (2017). *How to implement Tim O'Reilly's vision for Government- Platform IBM Government Industry Blog*. Retrieved from https://www.ibm.com/blogs/insights-on-business/government/implement-tim-oreillys-vision-government-platform/?mhq=government+as+a+platform&mhsrc=ibmsearch_a
 15. Cole, G.D.H(1997). *Self-government and industry*. London: G.Bell
 16. Copeland, E. (2016). *Government as a Platform - technology, data or business model?* Retrieved from <http://eddiecopeland.me/government-as-a-platform-technology-data-or-business-model/>
 17. Danaeifard Hassan, (2016), Methodology of signification studies in the social sciences and humanities: foundations, definitions, importance, approaches and implementation stages, methodology of humanities,; (22) 86, 39-71(in Persian)
 18. Denning, S. (2014). *An economy of access is opening for business: Five strategic Leadership*, 42, 14–21 for success
 19. Di Maio, A. (2010). *From e-government to a-government*. Retrieved February 24, 2017, from http://blogs.gartner.com/andrea_dimaio/2010/09/23/from-e-government-to-agovernment/
 20. Dupont, J. (2018). *The Smart State, Redesigning government in the era of intelligent services Policy Exchange*. London, England: Policy Exchange. Retrieved from www.policyexchange.org.uk
 21. Ed Burns, (2020). What is machine learning? . Published on the website: <https://www.techtarget.com/searchenterpriseai/definition/machine-learning-ML>
 22. Fahy Emma, 26 June, 2017, Mastercard. “The Sharing Economy: Understanding the Opportunities for Growth”
 23. Firnkorn, J., & Müller, M. (2011). What will be the environmental effects of new free-floating car-sharing systems? The case of Car2go in Ulm. *Ecological Economics*, 70(8), 1519–1528.
 24. Gawer, A., & Cusumano, M. A. (2008). How companies become platform leaders. *MIT Sloan Management Review*, 49(2), 28–35

25. GORDON SCOTT, March 2021. Artificial Intelligence (AI). Retrieved from website: <https://www.investopedia.com/terms/a/artificial-intelligence-ai.asp>
26. Gurji Azandriani, Ali Akbar; Shafiei Sardasht, Jafar, in search of a modern government in Izan: the fate of the Iranian Leviathan, Legal Research Assembly, number 23, first half of 2012, pp. 41-86
27. Haywood, Andrew, (2013). Politics, translated by Abdolrahman Alam, Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
28. Held, David, (۲۰۰۷). The formation of the modern state. Tehran: Ad Publishing. (in Persian)
29. Hosseininia, Gholamhossein, Bakhtiari, Marzieh, and Sajdi, Sayeda Elaha. (۰۰۰۰). A conceptual analysis of the sharing economy in order to design a framework for entrepreneurial financing. Skills training, 9(35), 7-28. (in Persian)
30. Janssen, M., & Estevez, E. (2013). *Lean government and platform-based governance-Doing more with less*. Government Information Quarterly, 30(2013), 1-8
31. John, N. A. (2013). The social logics of sharing. The Communication Review, 16, 113-131.
32. Khalaj, Mohsen, Shafiei Roudpashti, Maitham, Azar, Adel, and Shahbazi, Maitham. (2019). Identifying dimensions and components of sharing economy in production systems (case of study: parts manufacturing companies of Qom province). Production and Operations Management, 11(2 (21)), 45-67. (in Persian)
33. Kim, Soonhee, Andersen, Kim Normann, Lee, Jungwoo (2021), "Platform Government in the Era of Smart Technology", Public Administration Review(PAR), **Volume82, Issue2**, March/April 2022, Pages 362-368.
34. Laski H.J(1999). *Authority in the modern state*. New Haven Conn: Yale university press
35. LeMasson, B. (2017). *Government as a platform sounds great. But what does it look like in practice?* Retrieved July 5, 2017, from <https://www.accenture.com/us-en/insighthighlights-public-service-great-government-platform>
36. M. Katsonis (2015), "Digital Government: A Primer and Professional Perspectives," Aust. J Public Adm., vol. 74, no. 1, pp. 42-52, 2015
37. Michael Olson and Samuel J. Kemp,(2015) *Sharing Economy: An In-Depth Look At Its Evolution and Trajectory Across Industries* Piper Jeffray March
38. Millard, J. (2017). *European Strategies for e-Governance to 2020 and Beyond*. In Government 3.0 - Next Generation Government Technology Infrastructure and Services (Vol. 32, pp.1-26). Springer International Publishing AG 2017
39. Moghimi, Seyyed Mohammad; Pourezat, Ali Asghar; Latifi, Meisam; Ebrahimi, Omid(2021). Explaining the status of participation of experts and NGO's in Iran's public sector performance management, Journal of Public Administration, 13(1), 3-28. (in Persian)
40. Mohammadi, Mehdi; Elyasy, Mehdi; Kakavand Kurdi, Mehdi; Zamani, Arash; (2019). *Shared Economy: People-centered economy and beyond property*. Vice President for Science and Technology, Tehran: Danesh Bonyan Fanavar Publications. (in Persian)
41. Mohammadi P., Danaeefard, H., Zolfagharzade, M.M. (2018). The Study of Critical Realism Implications in Evaluation of Science, Technology and

- Innovation Policy Making. *Journal of Public Administration*, 10(3), 357-386. (in Persian)
42. O'Reilly, T. (2010). *Government as a platform*. In D. Lathrop & L. Ruma (Eds.), *Open Government, Collaboration, Transparency and Participation in practice* (pp. 13–40). O'Reilly Media.
43. Pierson, Christopher (1996) *The Modern State, London and New York*: Routledge
44. Pope, R. (2019). *Government as a Platform Playbook: A practitioner's guide to digital platforms in government*. Ash Center for Democratic Governance and Innovation Retrieved from <https://platformland.github.io/playbook/book/text/explain.htm>
45. Romain Dillet, (2015) La Ruche Qui Dit Oui Scores 9\$, Million from USV and Felix Capital For Its Local Food Marketplace, TeechCrunch, June 16,
46. Siau, K., & Long, Y. (2005). Synthesizing e-government stage models – a meta-synthesis based on meta-ethnography approach. *Industrial Management & Data Systems*, 106(4), 443–458.
47. SalehNejad, Hassan; (2016). Introduction to Modern Government Indicators Report 2016, Office of Fundamental Government Studies (Government Fundamental Group). (in Persian)
48. Smedlund, Lindblom et al. (2018) *Collaborative value co-creation*, Customer Value in the Sharing Economy Platform: The Airbnb Case :226
49. Smolka, C., & Hienerth, C. (2014). *The best of both worlds: Conceptualizing trade-offs between openness and closedness for sharing economy models*. In 12th International Open and User Innovation Conference (2014), p 70.
50. Styrin, Evgeny, Mossberger, Karen, Zhulin, Andrey, (2020). "Government as a platform: Intergovernmental participation for public services in the Russian Federation Government Information Quarterly, Volume 39, Issue 1, January 2022, 101627.
51. Tiwana (2014) *Platform Ecosystem, Aligning Architecture, Governance, and Strategy* Core Concepts and Principles : p39 p38
52. Benthem, A., Gillingham, K., & Sweeney, J. (2008). Learning-by-doing and the optimal solar policy in California. *The Energy Journal*, 29(3).
53. Weber, Max (1958), *Politics as a Vocation*, in *From Max Weber: Essays in Sociology*, tran. And ed. H. Gerth and C. Wright Mills, New York: Oxford University Press.
54. Yakhchali, Mahdi, Tahmasebi, Reza, Latifi, Meisam, & Faraji Mollaie, Amin (2020). Investigating Government as a Platform Characteristics: A Systematic Literature Review and MetaSynthesis. *Journal of Public Administration*, 12(2), 204-237. (in Persian)
55. Zoe Radnor, Stephen Osborne and Russ Glennon, (2016), *Public management theory*, in *Handbook on Theories of Governance*, page(46-60).